

**دیه گو و قریدا: شور یک عشق، شور یک زندگی**

**ناصر فکوهی**

قرن بیستم یا تمام امیدها و پریشانی هایش، با تمامی خلاقیت ها، همه تباهی هایش، با تمام اوهام و همه زیبایی هایش، نه فقط در یک زمان بلکه در یک مکان نیز نقطه ای برجسته برای زایش خود یافته بود، نقطه ای که اثر زیبای ژان ماری گوستاو لوکلزیو، «دیه گو و فریدا»، ما را وا می دارد آن را بر دیوارهای شهری زنده، پرجوش و خروش، آکنده از لطافت و زیبایی و در همان حال، مملو از خشونت و بی رحمی، بجوییم: بر دیوارهای انقلابی و در یک سبک از نقاشی که هنرمندان بزرگی چون ریورا، اوروزکو، سیکیروس .... و دیگران گونه ای نوین از آن را در مکزیک انقلابی آفریند. این سبک که یکی از مهم ترین و ارزشمندترین سبک های هنری از لحاظ ساخت اجتماعی خود به شار می آید و در سراسر جهان گسترش دارد، سبک نقاشی دیواری و روایتگر تاریخ پر شور مکزیک و انقلاب های جهان بود.

سبک نقاشان دیواری مکزیک انقلابی، در عین شباهت، در تحلیل انسان شناختی آن در تضادی سخت با نقاشی کلیسایی و مقدس رنسانس ایتالیا - آغازگر انسان محوری جدید اروپا - قرار می گرفت، زیرااگر ایتالیای قرن چهاردهم، دیوارهای مکان های قدسی را بر نقاشان گشود تا از آنها تابلوهای عظیمی از انسان ها و خدایان مقدس ترسیم کنند و شاید برای ابدیت در اوج شکوه و جلال مسیحایی تثبیت نمایند، نقاشان دیواری مکزیک، همانگونه که اوکتاویو پاز در کتاب معروفش «خنده و کفاره» می گوید، در واقع در پی آن بودند که این پهنه های بی نظیر برای بازنمایی شهری را به صاحبان اصلی شان، یعنی انسان هایی فقیر، روستاییانی از ریشه و تبار دوگانه سرخپوستی و اسپانیایی که هیچ چیز جز زندگی سخت و دردناک خود نداشتند، بازگردانند. هم از این رو، شروع آرمانشهرگرایی قرن بیستم با انقلاب مکزیک و در روستاهای فقر زده آن با رهبرانی چون امیلیانو زاپاتا و پانچو ویلا آغاز شد، و نقاشانی چون ریورا بودند که با عمری تلاش از این آرمانشهرگرایی، ولو آنکه به فاجعه ای بدل شد، زیباترین آثار هنری را برای قرار گرفتن بر ساختمان های دولتی و دیوارهای کوچک و خیابان های شهرهای مردمی، آفریدند.

لوکلزیو، اما برای روایت کردن تاریخ این قرن، در شورانگیزترین لحظاتش، یعنی در نیمه نخست آن، به سراغ یک زندگی و دو شخصیت می رود که شاید به تنهایی و مستقیما تاثیر بالایی بر سیر حوادث سیاسی آن نداشتند: فریدا کالو، نقاش چیره دست مکزیکی و همسر او دیه گو ربورا. هر چند روایت ِ عشق این دو، بیشتر از آن، روایت شور زندگی فریدا است که تا آخرین لحظه در وجودش شعله می کشید. زوجی که ظاهرا در همه چیز با هم متفاوت بودند: دیه گو مردی که نمی توانست در برابر احساسات خود نسبت به زنان دیگر مقاومت کند، بارها ازدواج کرد و می توان گفت عاشق تمام زندگی بود، روحیه ای که گویی مستقیم از دورن تاریخ پیش کلمبیایی مکزیک بیرون آمده بود و در برابرش فریدایی، که در زندگی جز یک عشق به دیه گو نداشت، همه چیز زندگی اش دیه گو بود و بارها می گفت: دیه گو همسر من، پسر من، پدر من، مادر من، و همه چیز من است. دیه گویی با هیکلی غول آسا و وحشت آور، قدرتی حیرت انگیز از لحاظ بدنی و در کار کردن یکسره که گاه به بیش از 18 ساعت در روز می رسید، با چهره ای که زشتی آن هراس آور و خارق العاده می نمود و بیش از هر چیز تصویر و صورت یک قورباغه بزرگ را به یاد می آورد، صفتی که بارها به وسیله خودش و فریدا و دیگران برایش به کار برده می شد؛ و در برابرش ، فریدایی با کالبدی نحیف و ناتوان، زنی کوچک اندام با بدن یک کودک، که با یک نقص در یکی از پاهایش به دنیا آمد، در ابتدای جوانی، در تصادفی هولناک بدنش خرد شد و به زحمت جراحی های بی پایان تا به آخر عمر توانست آن را حفظ کند، بدنی که ظاهرا ساخته شده بود تا درد را در خود حمل کند، دردی که هرگز تا آخرین لحظه حیات او را رها نکرد و جز نقاشی کاری در برابر آن نمی توانست انجام دهد، کالبدی ناتوان و شکننده و ظریف، اما کالبد و چهره ای به غایت زیبا، با گیسوانی بلند سیاه رنگ، چشمانی سیاه و ابروانی به هم پیوستی، پوستی تیره همچون بومیان مکزیک، و جسارت و وقار و ظرافتی در رفتار که هر کسی، حتی یک فرمانده بزرگ انقلابی و تبعیدی انقلاب روسیه، تروتسکی، را که به مکزیک پناه آورده بود، شیفته خود می کرد و در هم می شکست. دیه گویی که تقریبا تمام آثارش به تصویر کردن انقلابیون و مردم کشورش یا سایر کشورها برای رسیدن به آرمان های انقلابی، به روایت کردن تاریخ و در یک کلام یک نقاشی اجتماعی بود، در برابر فریدایی که اکثر آثارش تنها به کشیدن کالبد و چهره خودش اختصاص داشت، پس از تصادف مهیب او در اتوبوس که بدنش را به کلی تخزیب کرد، مادرش، تخت بزرگی برای او ساخت و بر سقف آن آیینه ای عظیم نصب کرد تا دخترش که دیگر توان نشستن و ایستادن نداشت با دیدن خود در این آینه، به نقاشی ادامه دهد. بعدها، نیز فریدا داستان زندگی خود و عشقش به دیه گو را به داستان تمام جهان تبدیل کرد و توانست سبکی از نقاشی بیافریند که تا امروز به شدت مدرن باقی مانده و جزو میراث فرهنگی و هنری بی مانند جهان به حساب می آید، با خشونتی در تصویر گری از بدنی در هم شکسته که فریدا ابایی نداشت که در ریزترین و واقع گرا ترین موقعیت های بیولوژیک دردها و زخم ها و خونی را که از فواره می زد به نمایش بگذارد، نقاشی که بزرگترین هنرمندان و نویسندگان سوررئالیست از جمله آندره برتون را به هیجان آورده بود و در برابر آن سر تعطیم فرود می آوردند.

لوکلزیو در طول این کتاب که با نثری زیبا و ساده نوشته شده است ما را از روایت غریب گذشته های پیش کلمبی مکزیک تا سفر به اروپای جنگ زده که ریه ورا را مجذوب پاریس سال های بین دو جنگ و محله هنرمندان پیشروی مونپارناس( مودیلیانی، پیکاسو، زادکین...) کرد، تا ازدواجش با فریدا و سفر آنها به آمریکای شمالی به لس آنجلس و نیویورک که در آن در جسنجوی یافتن آینده کارگران جهان بودند و یا سفر به روسیه انقلابی استالین که در چشم انقلابیون مکزیک تصویری زنده از سوسیالیسم قدرتمتد به شمار می آمد، می کشاند. در عین حال که که قهرمان اصلی کتاب شاید بیش از آنکه دیه گو باشد، فریدا است که بدن خود را به یک تابلوی نقاشی تبدیل می کند و دردهایش را به رنگ خون به تصویر می کشد. و در این تمرکز یافتن بر فریدا، شاید رازی نهفته باشد. در حقیقت به نظر می رسد که برای لوکلزیو و برای بسیاری از کسانی که زندگی پرشور و آثار بی نظیر فریدا را می بینند، گویی در آنها تبلوری آشکار از آمریکای پیش کلمبی می جوشد و مقاومتی که او در برابر تمام دردهای زندگی داشت، گویای سرسختی تمدن بزرگ پیش کلمبیایی است که برغم پانصد سال فشار و سرکوب باز هم زنده و پویا است و از درون آن نه تنها هنر نقاشی ارزشمندی چون سبک هنر نقاشی دیواری بیرون آمدف بلکه رمان ارزنده آمریکای لاتین نیز از ثمرات دیگرش بود.

مشخصات کتاب به فرانسه:

Le Clézio, J.M.G, 2008(1993), Paris : Gallimard.

فریدا کالو در ویکیپدیا   
http://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%81%D8%B1%DB%8C%D8%AF%D8%A7\_%DA%A9%D8%A7%D9%84%D9%88

دیه گو ریورا در ویکیپدیا   
http://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%AF%DB%8C%D9%87%E2%80%8C%DA%AF%D9%88\_%D8%B1%DB%8C%D9%88%D8%B1%D8%A7

فیلم « فریدا» (2002) جولی تیمور در ویکیپدیا   
http://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%81%D8%B1%DB%8C%D8%AF%D8%A7\_%28%D9%81%DB%8C%D9%84%D9%85%29

موندو و داستان های دیگر (لوکلزیو)   
http://www.anthropology.ir/node/7532

لوکلزیو و معجزه نشر ایرانی  
http://anthropology.ir/node/2331

پرونده ی «ناصر فکوهی» در انسان شناسی و فرهنگ   
http://www.anthropology.ir/node/9132

برخی از آثار و عکس های فریدا کالو و دیه گو ریورا در زیر ببینید:







































